

لغت به مخترع ارده‌برقی یا لودر و بولدورز؟

پرده‌اول: وزیر راه و ترابری اخیراً در چهارمین کنفرانس تغییرات اقلیمی گفته است: لغت به کسی که ارده‌برقی را آفرید تا تخریبات جنگل‌ها باعث به وجود آمدن تغییرات اقلیمی شود.
پارسل هم در همین روزها حمید بهبهانی در دفاع از اینکه برای جاده البر درختی قطع نشده است، گفته بود بریده باد دستی که بخواهد درختی را قطع کند و بریده باد زبانی که به دروغ بگوید درخت قطع شده است.
نگاهی کوتاه به همین چند جمله جنجالی وزیر راه و ترابری در دفاع از جنگل‌ها و محیط زیست تا حدی که به لعن و نفرین حتی ارده‌برقی هم رسیده، انکاری نشان از دغدغه‌های اصلی این وزیر تاثیرگذار در حفظ جنگل‌ها و محیط زیست دارد.
دفاع جانانه وزیر راه از جنگل‌ها و مراتع به حدی داغ بوده است که دامن مسوولان وزارت نیرو را هم گرفته است. بهبهانی سدسازی بی‌رویه روی رودخانه‌های ورودی به دریاچه ارومیه را عامل اصلی تخریب بیش از پیش و خشک شدن دریاچه ارومیه و برهم خوردن اکوسیستم در این منطقه دانسته است. وزیر راه و ترابری البته تنها ارده‌برقی را مسوول تغییرات اقلیمی ندانسته و معتقد است در رابطه با محیط زیست و حفظ جنگل‌ها در ایران اقدامی صورت نگرفته است. و همین بی‌توجهی‌هاست که باعث شده مرز منطقه حیران به سمت شوری سرسبز و پوشیده از درختان انبوه جنگل‌ها باشد ولی مرز ایران خشک و لم‌یزد و از درختان سبز خالی شده است.

پرده دوم: زمانی که رئیس پیشین سازمان حفاظت محیط زیست برای همیشه ساختمان پردیسان را ترک کرد، درباره اینکه بیشترین مشکلات سازمان در چهار سال گذشته را با چه دستگاه‌هایی داشتید، گفت: با وزارت راه که شما همه خودتان می‌دانید. ما با وزارت نفت یا صنایع در موارد نقطه‌ای مشکل داشتیم، اما با وزارت راه این طور نبود. جوادِی، وزارت راه را و وزارتخانه‌ای رودرروی محیط زیست اعلام کرد. احداث ده‌ها راه از داخل پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده کافی بود که تیم جوادِی بیشترین مشکلات خود را با وزارت راه داشته باشد. تنها کافی است به یک نمونه از قطع درختان توسط وزارت راه در پارک ملی گلستان اشاره داشته باشیم، با وجودی که نباید جاده‌ای از داخل این پارک عبور می‌کرد، این مجوز داده شد؛ مجوز برای احداث جاده‌ای با عرض ۱۱ و نیم‌متر. اما مجری همان مسیر را با عرض ۲۲ متر طراحی و در بخش‌هایی احداث کرد. هر چند اکنون ادامه احداث راه متوقف است، اما بیش از ۱۲ هزار اصله درخت برای احداث راه از داخل پارک ملی گلستان توسط پیمانکاران وزارت راه قطع شد. در نمونه کوچک دیگری به گفته مدیر کل سابق جنگل‌های خارج از شمال اداره کل راه و ترابری در ایلام ۶۰ هزار درخت بلوط را در جنگل زیبای چغاسیز برای اجرای کمربندی قطع کرد. البته تنها قطع درخت توسط وزارت راه این وزارتخانه را رودرروی محیط زیست قرار نمی‌دهد. احداث جاده میان‌گذر از داخل دریاچه ارومیه و ادامه احداث میانگذر از تالاب انزلی نمونه‌های دیگری از اقدامات وزارت راه است که با تخریب شدید محیط زیست و جنگل‌ها همراه بوده است؛ وزارت راهی که حتی شرکت‌های پیمانکارش در استان‌های شمالی مشغول برداشت بی‌رویه شن و ماسه هستند.

پرده سوم: همه این گونه ادعا‌های وزیر راه درباره علاقه ایشان به جنگل‌ها و نگرانی‌شان از بابت قطع درختان و نفرین کسانی که ارده‌برقی را آفریدند، در عمل چیز دیگری است چرا که اگر خود ایشان ندانند حتماً اما وزارتخانه راه و ترابری نشان خواهد داد که نودصد هزار درخت در جای‌جای ایران به دلیل احداث راه بریده شدند، آن هم توسط همین ارده‌برقی. بعد هم وسایل مرتبط با کار وزارتخانه راه از جمله لودر و بولدورز سر و کله‌شان پیدا شد. پس اگر روزی رئیس سازمان جنگل‌ها و مراتع یا سازمان حفاظت محیط زیست هم بگویند لغت بر کسی که لودر و بولدورز را آفرید، دیگر نباید تعجب کرد. به راستی چند درصد ارده‌ای برقی و لودر و بولدورزها خود به خود درختان را می‌برد و زمین‌ها را شخم می‌زنند و صاف می‌کنند و باعث تغییرات اقلیمی می‌شوند؟

حال باید از آقای بهبهانی پرسید شما که تا این حد به حفظ محیط زیست و جنگل‌های کشور علاقه‌مند هستید، به عنوان وزارتخانه‌ای که معمولاً یکی از مشکلات اساسی را با محیط زیست دارد، در تمام سال‌های گذشته چه اقداماتی انجام دادید؟ چند درخت توسط وزارتخانه شما بریده شده است و در مقابل، وزارتخانه شما چند درخت کاشته است؟ حال بگذاریم که جای یک درخت بریده شده صد ساله از بلوط و راش و مرمرز و سرخدار در نواحی مختلف و پکر را ده‌ها درخت دست‌گاشت سوزنی‌برگ هم دیگر نمی‌تواند بگیرد. شما که به مسوولان جنگل‌ها سازمان جنگل‌ها به عنوان متولی، پیشنهاد کشت درختان در کویری در مناطق کویری را می‌دهدید، می‌دانید چند درصد از مناطقی که طی سال‌های گذشته تحت پروژه‌های مبارزه با بیابان‌زایی قرار گرفته بود، به دلیل احداث راه و تخریب گیاهان کویری دوباره به حالت قبل برگشته است؟ لطفاً برای تنویر افکار عمومی هم که شده، چند جاده‌ای که در کشور ساخته‌اید و در کنار جاده به جای درختانی که بریدید، درخت کاشتید را نام ببرید.

نگاه سیمپ به قالی‌پالان

ارده موتوری‌ها

به جان جنگل‌های گلستان افتاده‌اند

امروز هم مانند جمعه‌های دیگر بار و بنه گرفتیم و راهی کوه شدم، همان جایی که عشق من است و آرامم می‌کند، به دور از غوغای شهر و جنجال‌های بیهوده و در خلوت تنهایی و «من و تو کردن» با خدای مهربان.
قدیم‌زان آرام‌آرام پا روی برگ‌های خشک و تکه‌چوب‌های خشکیده گذاشتم و سینه‌کش بلندی کوه را گرفتم و به یال رسیدم. به عمد پایم را روی برگ‌های خشک می‌کشم تا خش‌خش آنها توی سکوت جنگل و چه‌چه گاه به گاه پرند‌ها سمفونی زیبایی را به گوشم برساند. نمی‌دانم چرا بعضی‌ها معتقدند فقط فصل بهار زیباییست؛ اشتباه می‌باشد؛ اما ماه‌های آبان و آذر همین جایی که الان ایستاده‌ام در جنگل‌های اطراف شهرم، گرگان بایباید تا ببینید چه خبر است.
پاییز جنگل‌های گرگان خیلی زیباست. درست گفته منوچهری دامغانی که: خیزید و خُز آرید که هنگام خزان است / باد خُک از جانب خوارزم وزان است/ آن برگ رزان بین که بر آن شاخ رزان است/ گویی به مثل پیرهن رنگ‌رزان است/ دهقان به تعجب سر انگشت گزان است / کلندر چمن و باغ نه گل ماند و نه گلزار. رسیدم به روی قله‌ای بلند. جای همیشگی هم، بساط چای پهن کردم و لباس عرق گرفته به رو آوردم و رو به آسمان که اندازه کف دست‌م هم بر ندارد، به روی زبلو، در پناه آفتاب نیمه‌جان پاییزی خوابیدم و چشم بستم. من در حال و هوای خود بودم که به ناگاه صدایی جان‌خراش همه چیزم را به هم ریخت و دل و دماغ از من ربود. صدا، صدای اژدهای چندسدر که می‌غرید و می‌تراشید و پیش می‌رفت، آنچنان وحشتناک که مو بر بدن راست می‌کرد و از ترس نیاز به قضای حاجت می‌آورد! سریع جستم و خود را تکتانی دادم و دنبال صدا رفتم. هر چه جلوتر می‌رفتم صدا بیشتر و بیشتر و به غایت وحشتناک‌تر می‌شد. صحنه‌ای دیدم که کافر نبیند و مسلمان نشود؛ میدان جنگی که تنه درختان مقتول اینجا و آنجای میدان به زمین افتاده و چند نفر اره موتوری به دست به جان آن موجودات نازنین افتاده‌اند! ناخودآگاه توی آن گیر و دار یاد سخن شاعر افتادم. گر بمرم من چنانی مرده است / گر چه گویی بی‌زبانی مرده است. همین موقع چند نفر دیگر به من ملحق شدند. هر چه داد و فریاد کردیم و الم شنگه راه انداختیم مگر گوش کسی بدهکار بود؟! انگار نه انگار ما آدمیم. کار خودشان را می‌کردند و محلی هم به اعتراض ما نگذاشتند تا جایی که حتی ما را تهدید هم کردند؛ ترسیدیم اگر بیشتر فریاد کنیم با همان اره موتوری نصف‌مان کنند! البته کمی از همان چرند و پرند‌های مرده‌رنگ‌کن تحویل ما دادند اما ما هم دست‌بردار نبودیم. توی دلم هر چه لعن و نفرین بود، نثار اره موتوری و آن صاحب مادر به عزایش نشسته کردم؛ لعنت فرستادم به گردن کلفت، قلدر بی‌چشم و رو، چکمه به پا، قمه به کمری که اره موتوری دست گرفته و به جان این موجودات بی‌زبان افتاده و جان می‌ستاند و خوش می‌گذراندا خدا شاهد است، وسط‌های جنگل مثل کله کچل‌ها این طرف و آن طرف چند درخت سرپا و چند درخت قطع شده است. چشم آدم که به آنها می‌افتد دل می‌لرزد و اشک جاری می‌شود. آخر کسی نیست به این آدم بگوید به خاطر پول لامذهب چرا تیشه به ریشه خودت می‌زنی. راستش من که آن صحنه را دیدم، هق‌هق گریستم و آن روزم به تاریکی گذشت و نفهمیدم با چه حالی پایین آمدم. هر چه حس و حال داشتم پرید و با کوله‌ای از غم و ناراحتی به خانه برگشتم.

✽مدرس حوزه و دانشگاه آزاد گرگان

زیست‌بوم

تغییر کاربری و آتش‌سوزی، حیات درختان را تهدید می‌کنند

جنگل‌های گلستان در منگنه

◀ **مژگان جمشیدی**

بعد از گذشت بیش از ۵۰ روز از شروع آتش‌سوزی در جنگل‌های استان گلستان که منجر به نابودی بخش‌های قابل توجهی از جنگل‌های این استان شد، سازمان جنگل‌ها و مراتع هفته گذشته تیمی از خبرنگاران را اعزام گلستان کرد تا از نزدیک ابعاد خسارت وارده به جنگل‌های استان گلستان را ببینند. اما برخلاف انتظار، هیچ یک از مسوولان ستادی سازمان جنگل‌ها به جز فرمانده یگان حفاظت که آن هم فقط یک ساعت و نیم در بین خبرنگاران بود، کس دیگری حضور نیافت تا سوالاتی که از مدت‌ها قبل روی هم انباشته شده بود و جز مسوولان ستادی، کس دیگری نمی‌توانست پاسخگوی آنها باشد، همچنان با علامت سوال‌های بیشتر در جای خود باقی بمانند.

اینکه چرا اطفای حریق اینقدر به طول انجامیده؟ چرا همچنان جنگل‌های استان گلستان در آتش می‌سوزند و چرا مسوولان از بیان علل آتش‌سوزی امتناع می‌کنند و دلایل تشدید آتش‌سوزی را به عنوان علل اصلی آتش معرفی می‌کنند؟ چرا در شرایطی که سازمان جنگل‌ها و مراتع از تشکیلاتی با قدمت بیش از ۸۵ سال برخوردار است، همچنان فاقد امکانات اطفای حریق جنگل است و چرا بودجه‌های سازمان به جای اینکه صرف حفاظت از جنگل‌ها شود، در راه انبیزداری صرف می‌شود؟ چرا مسوولان این سازمان و وزارت جهاد کشاورزی به فکر تامین اعتبارات لازم برای تجهیز ناوگان اطفای حریق جنگل نیستند و… همه و همه سوالاتی بودند که مدت‌هاست بی‌جواب مانده و مسوولان استانی نیز قادر به ارائه پاسخی درخور به این سوالات نبودند چراکه سیاست، برنامه‌ها و بودجه‌های حفظ منابع طبیعی جملگی از تهران به دیگر نقاط ایران دیکته می‌شود. با این حال نه فقط رئیس سازمان جنگل‌ها بلکه حتی معاونین یا حتی مدیران ستادی این سازمان هم تیم خبرنگاران اعزامی را همراهی نکردند.

جنگل‌های استان گلستان همچنان در آتش می‌سوزند. شاید گستره آتش‌سوزی به اندازه یک ماه قبل نباشد اما روزهای سه‌شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه هفته گذشته مناطق صعب‌العبور جنگلی در ارتفاعات زیارت، مینودشت و سوس در جنوب شرق گرگان و حتی جنگل‌های هزار جریب بهشهر در استان مازندران نیز همچنان طعمه حریق بودند و دود غلیظ ناشی از این آتش بر فراز این مناطق از ده‌ها کیلومتر آن طرف‌تر هم کاملاً مشخص بود. با این حال وقتی تیم اعزامی خبرنگاران با دو فروند چرخبال هلال احمر به هوا برخاستند تا مناطق جنگلی را از بالا مشاهده کنند، دیگر این آتش نبود که تاسف خبرنگاران را برانگیخت!

جنگل‌های گلستان قربانی خودکفایی گندم پرواز دوساعته بسر فراز آسمان از علی‌آباد کنترل تا منتهی‌الیه پارک ملی گلستان و مرز استان خراسان شمالی نشان داد این آتش نیست که جنگل‌های شمال ایران یا به طور خاص جنگل‌های استان گلستان را تهدید می‌کند. به نظر می‌رسید تهدید بزرگ‌تر از آتش، تغییر کاربری‌های گسترده اراضی جنگلی باشد؛ چیزی که بر روی زمین کمتر می‌توان آن را حس کرد و تنها از فراز آسمان می‌توان این مهم را دریافت. جنگل‌هایی که امروز جملگی به زمین‌های کشاورزی و در ۹۰ درصد موارد به اراضی کشت گندم اختصاص یافته بودند، تقریباً سراسر منطقه را فرا گرفته بود و حال که به دلیل کاهش بارندگی این اراضی، خشک و لم‌یزرع رها شده بودند، گویی استان گلستان را سراسر بیابان فراگرفته است.

هر چند این‌همه تغییر کاربری محصول همین یکی دو سال اخیر نبود اما تجاوزات گسترده به عمق جنگل و گاه پاکتراشی مناطق جنگلی حتی در ارتفاعات برای ایجاد زمین‌های کشاورزی چنان مشهود بود که به سه راحتی نمی‌توانستیم از کنار آن بگذریم؛ تجاوزاتی که نشان می‌داد چطور جنگل‌های شمال ایران که محصول دوران سوم زمین‌شناسی هستند، قربانی طرح خودکفایی گندم در کشور شده‌اند. تقریباً اکثر خبرنگاران، مسیر رفت رخریبال از علی‌آباد کنترل به سمت پارک ملی گلستان را به جای اینکه به مشاهده جنگل‌های سوخته اختصاص دهند، به بحث پیرامون تغییر کاربری اراضی جنگلی و ساخت جاده‌ای عریض و طویل در پارک ملی گلستان اختصاص داده بودند؛ جاده‌ای که با موافقت سازمان محیط زیست و هجوم ده‌ها لودر و بولدورز وزارت راه، پارک ملی گلستان را به ویرانه‌ای تبدیل کرده که از

سال پنجم ■ شماره ۱۱۵۱ ■ دوشنبه ۱۳ دی ۱۳۸۹

شوق



نه! علی‌ایحال جنگل‌های گلستان و شرق مازندران همچنان در آتش می‌سوزند و سازمان جنگل‌ها که زیرمجموعه وزارتخانه عریض و طویل جهاد کشاورزی است از حداقل امکانات اطفای حریق هم برخوردار نیست. با اینکه در چهار پنج سال اخیر جنگل‌های گلستان چهار بار دچار حریق‌های گسترده شده هنوز هم از ناوگان اطفای حریق هوایی خبری نیست و نیروهای امدادی با بیسل و گالن و… به‌سه جنگ آتش می‌روند و در مواردی هم این هواپیماهای سمپاش و چرخبال‌های هلال احمر لازم را برای اطفای حریق داشته باشند. در عین حال فرمانده یگان حفاظت از جنگل‌ها و مراتع، تجهیز ناوگان هوایی اطفای حریق جنگل‌های شمال ایران نیازمند ۲۵۰ میلیارد تومان اعتبار می‌داند؛ درخواستی که به تا‌زگی به نمایندگان مجلس ارائه شده اما بعید به نظر می‌رسد ترتیب اثر داده شود تا سالی دیگر و حرقی دیگر، بار دیگر کایات بیسل و گالن و التماس دعا برای چرخبال‌های نهاد نظامی و هلال‌احمر آغاز شود.

سودوکو شماره ۱۳۱									
	3					8		7	
						5	4		
	8				4				
		1	2		7	4			
	4			1					6
			2	5		9	3		
				9				2	
		4	7						
	1		3						6

جدول شماره ۱۱۲۲									
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵					
۱۶									
۱۷									
۱۸									
۱۹									
۲۰									
۲۱									
۲۲									
۲۳									
۲۴									
۲۵									
۲۶									
۲۷									
۲۸									
۲۹									
۳۰									
۳۱									
۳۲									
۳۳									
۳۴									
۳۵									
۳۶									
۳۷									
۳۸									
۳۹									
۴۰									
۴۱									
۴۲									
۴۳									
۴۴									
۴۵									
۴۶									
۴۷									
۴۸									
۴۹									
۵۰									
۵۱									
۵۲									
۵۳									
۵۴									
۵۵									
۵۶									
۵۷									
۵۸									
۵۹									
۶۰									
۶۱									
۶۲									
۶۳									
۶۴									
۶۵									
۶۶									
۶۷									
۶۸									
۶۹									
۷۰									
۷۱									
۷۲									
۷۳									
۷۴									
۷۵									

عمودی

۱- آن که به اصول و مقررات اداری پایبند

حل جدول شماره ۱۱۲۲

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
س	ی	ک	و	ل	ا	ر	ی	س	ر	ک	ف	ا	ل	ت
۲	م	ا	س	ل	ا	ر	ی	س	ر	ک	ف	ا	ل	ت
۳	و	ل	ا	ر	ی	س	ر	ک	ف	ا	ل	ت	و	ل
۴	ت	و	ل	ا	ر	ی	س	ر	ک	ف	ا	ل	ت	و
۵	ن	ا	م	ت	و	ل	ا	ر	ی	س	ر	ک	ف	ا
۶	ن	ا	م	ت	و	ل	ا	ر	ی	س	ر	ک	ف	ا
۷	ن	ا	م	ت	و	ل	ا	ر	ی	س	ر	ک	ف	ا
۸	ن	ا	م	ت	و	ل	ا	ر	ی	س	ر	ک	ف	ا
۹	ن	ا	م	ت	و	ل	ا	ر	ی	س	ر	ک	ف	ا
۱۰	ن	ا	م	ت	و	ل	ا	ر	ی	س	ر	ک	ف	ا
۱۱	ن	ا	م	ت	و	ل	ا	ر	ی	س	ر	ک	ف	ا
۱۲	ن	ا	م	ت	و	ل	ا	ر	ی	س	ر	ک	ف	ا
۱۳	ن	ا	م	ت	و	ل	ا	ر	ی	س	ر	ک	ف	ا
۱۴	ن	ا	م	ت	و	ل	ا	ر	ی	س	ر	ک	ف	ا
۱۵	ن	ا	م	ت	و	ل	ا	ر	ی	س	ر	ک	ف	ا